



حمید ناصری مقدم / فیلمساز
اودرباره تله‌تئاتر در ایران نوشته است



آن زمان که سریال‌سازی اینقدر مُد نبود

← همیشه نسبت به عبارت تله‌تئاتر یک حس نوستالژی داشته‌ام، علت‌اش را هم خوب می‌دانم. سال‌ها پیش وقتی تلویزیون ایران یکی، دو شبکه بیشتر نداشت و کشور درگیر جنگ یا بازسازی بعد از آن بود و آن زمان که سریال‌سازی اینقدر مُد نشده بود، راه کم‌هزینه‌تری برای تولید سرگرمی در تلویزیون وجود داشت. ساخت تله‌تئاتر‌هایی که اغلب هم براساس متن‌های خارجی بود و خب طبیعی بود که هر متن نمایشی را هم نمی‌شد اجرا کرد. تله‌تئاتر از ترکیب دورساخت تلویزیون و نمایش به‌وجود آمده، مثل نمایش رادیویی که از ترکیب رسانه‌های رادیو و نمایش خلق شده یا تله‌فیلم که از ترکیب سینما و تلویزیون متولد شده‌اند. به‌نظر می‌آید دو ترکیب آخر بیشتر همنشینی دارند تا اولی که موضوع این یادداشت هم هست. تلویزیون در ذات خود سرگرمی‌ساز است و با مخاطب عام سروکار دارد، بشدت به سلیقه بیننده اهمیت می‌دهد و هدف خود را در جذب حداکثری می‌بیند و این دیدگاه با زاویه دید اهل تئاتر در تضاد است. گرچه تئاتر در روزهای ابتدایی خود بیشتر عام‌گرا بود و حتی کاملاً آیینی و سنتی، اما حالا سویه روشنفکری آن پررنگ‌تر شده. حالا هرکسی برای تئاتر وقت و هزینه ندارد یا دست‌کم اهمیتی به آن نمی‌دهد؛ حتی تهیه‌کننده‌های تئاتر برای جذب بیشتر مخاطب دست به دامن رسانه‌های عام‌پسند می‌شوند و مجبورند بجز رسانه‌های مجازی مثل اینستاگرام، از یوتیوب و رسانه‌های گران‌تر برای تبلیغات استفاده کنند و با ریسک فراوان کارهای خود را اجرا کنند. طبیعی است که اگر قرار باشد این دو رسانه با هم به اجماع برسند کار سختی خواهند داشت.

علاوه بر اختلاف گسترده مخاطبین، این دو رسانه اختلاف‌های دیگری هم با هم دارند که کار را سخت‌تر می‌کند و حتی به نظر عده‌ای تجمیع آنها از آغاز اشتباه بوده؛ یکی از آنها فاصله است. هرچقدر در تئاتر صحنه‌ای مخاطب و بازیگر نفس به نفس هم می‌دهند در تئاتر تلویزیونی فاصله آنقدر زیاد می‌شود که مخاطب دور از چشم بازیگران می‌تواند برای خودش بساط چای و تخمه را داشته باشد و این

یعنی تمرکز کمتر روی اجرا، دیگر اختلاف در زاویه دید است. اگر در تئاتر صحنه‌ای مخاطب خودش انتخاب می‌کند که به کدام قسمت از صحنه متمرکز شود در تله‌تئاتر کارگردان تلویزیونی این وظیفه را به عهده دارد و قطعاً نمی‌تواند باب میل همه لحظات همه مخاطبین عمل کند. این کارگردان تلویزیونی است که تصمیم می‌گیرد الان چه تصویری به چه اندازه‌ای و با چه مدت زمانی را به خورد مخاطب بدهد. حالا پیمانده اختلاف‌های دیگری هم بین این دو وجود دارد مثلاً در ایران رعایت موازین شرعی در تئاتر و تلویزیون اصلاً قابل قیاس با هم نیستند، چه در محتوا چه در پوشش ظاهری. بنابراین برخی از آثار نمایشی اصلاً قابلیت تلویزیونی شدن در ایران ندارند یا دست‌کم نباید توقع داشت آن‌گونه که روی صحنه اجرا می‌شوند، در تلویزیون هم تصویر شوند. شاید به همین دلیل است که خیلی کمتر دیده‌ایم که نمایشنامه‌های ایرانی تبدیل به تله‌تئاتر شوند. خلاصه به طور معمول در تلویزیون کسی دنبال دردرس نمی‌گردد و دوست ندارد روزه شک‌دار بگیرد.



تله‌تئاتر قماربازان (۱۳۵۲) - کارگردان: بنودر آزادی - نویسنده: نیکلای گوگول

اما همه دنیا که مثل ما نیستند؛ مخصوصاً در دهه‌های چهل و پنجاه میلادی که اروپایی‌ها تصمیم گرفتند تا اگر کسی نمی‌تواند به تماشاخانه برود، نمایش را به خانه ایشان بیاورند. بنابراین هر هفته تعدادی تله‌تئاتر در این کشورها (مخصوصاً انگلستان) تولید می‌شد. البته اولین تله‌تئاتر در آمریکا و در سال ۱۹۲۸ تولید شد، «فرستاده ملکه» نوشته جان هارتلی مانر. در همان سال در انگلستان هم نمایش «باکس و کاکس» به شکل تلویزیونی تولید شد تا کمی بعدتر از رقبای آمریکایی خود پیشی گرفته و مجموعه‌های تله‌تئاتر بسازند که تعجب نمی‌کنیم اگر بشویم تهیه‌کننده اصلی این مجموعه‌ها شبکه بی.بی.سی بود. ما که گفتیم کار کار انگلیس‌است، نشون به اون نشون که همین شبکه در دهه پنجاه، بعد از خرید یک سالن تئاتر در لندن آن را تبدیل به استودیویی تلویزیونی کرد تا بتواند نمایش‌های خود را آنجا ضبط کند. حجم این تولیدات آنقدر زیاد شد که کم‌کم متن‌هایی مخصوص نمایش‌های تلویزیونی نوشته می‌شد. گرچه آنها می‌دانستند که برخی از متون نمایش (حتی تراژول) قابلیت

جذب مخاطب تلویزیونی ندارند و دست به تغییرات و خلاقیت‌های زیادی زدند تا بیشتر مورد قبول عام واقع شوند اما باز به مرور زمان و مخصوصاً بعد از ظهور سریال‌های تلویزیونی (خارج از استودیو) از محبوبیت تله‌تئاترها کم شد و کار به جایی رسید که بی.بی.سی هم از تولیدات تله‌تئاتر خود کم کند و به ساخت سریال بیشتر بپردازد.

در ایران و در دوره‌های مختلف تله‌تئاترها اوج و فرودهایی داشته‌اند. داریوش مؤدبیان می‌گوید: بین سال ۳۹ تا ۴۵ و طی هفت سال بیش از ۳۰۰ تئاتر در تلویزیون ملی اجرای زنده داشت ولی اولین ضبط‌ها به سال‌های ۴۷ برمی‌گردد. تلویزیون ملی در سال ۴۵ آغاز به‌کار می‌کند و اولین نمایش آن کاری از عباس جوانمرد است که «شهر آفتاب و مهتاب» نام دارد و توسط مرحوم علی حاتمی نوشته شده بود.

بعد از انقلاب اسلامی و زمانی که تلویزیون فقط دو شبکه داشت، وظیفه تهیه و پخش تله‌تئاترها با شبکه دو سیما بود و واقعا شاهد کارهای شاخصی هم در آن دوره بودیم مثل: فیزیکدان‌ها، نکر اسف، کالیگولا، بازپرس، چراغ گاز، تله موش، تاجر ونیزی. در این آثار چهره‌های شاخصی را هم به‌عنوان کارگردان یا بازیگر می‌دیدیم مثل: مرحوم حمید سمندریان، علی نصیریان، مهدی هاشمی، محمد رحمانیان، هما روستا، بهزاد فراهانی، مرحوم جمیله شیخی، مهتاب نصیرپور و اکبر زنجانی‌پور. بعد از آنکه تعداد شبکه‌های سیما جمهوری اسلامی ایران بالا رفت، وظیفه تولید و پخش تله‌تئاترها به شبکه چهار، شبکه فرهنگ، محول شد. شبکه‌ای که واقعا مخاطب حداقلی و خاص دارد در حالی که قطعاً برخی از تولیدات شبکه چهار بیش از تصور مدیران مخاطب خواهد داشت اگر فاصله زیادی بین این شبکه و مخاطبین دیگر تلویزیون به‌وجود نیاورند.

یکی از بهترین تله‌تئاتر‌هایی که تقریباً پانزده سال پیش از شبکه ۴ دیدم، پسران طلایی نوشته نیل سایمون بود. کارگردانش محمد رحمانیان و بازیگران اصلی آن مهدی هاشمی و احمد آقالو هستند. یادم هست که بعد از دیدن این

تله‌تئاتر، تمام متون ترجمه شده نیل سایمون را خواندم. (شما هم اگر نخوانده‌اید حتماً بخوانید) این تجربه شخصی را گفتم تا متذکر شده باشم که همه تله‌تئاترها نه تنها کسل‌کننده یا خاص نیستند که حتی باعث می‌شود مخاطب بعد از دیدن آن هنوز با متن و اجرا و اثر هنری درگیر باشد و مخاطب را دعوت به تحرک و تفکر کند. در همان دوره سریال‌هایی هم ساخته شدند که از شیوه تله‌تئاترها پیروی می‌کردند و دو نمونه خیلی خوب آن را محمد رحمانیان ساخت: نیمکت و توی گوش سالم زمزمه کن. علی عمرانی، هومن برق‌نورد، افشین هاشمی، مهتاب نصیرپور و جمشید جهانزاده از بازیگران این مجموعه بودند و شبکه یک آن را پخش می‌کرد. با توجه به این سابقه تاریخی در تولید و پخش این نمونه‌های شاخص، به گمانم وقت آن رسیده تا مجدداً نگاهی خردارانه به این گونه برنامه‌سازی شود تا علاوه بر احیای آن، مخاطبین بیشتری هم جذب شوند که شاید این جذابیت نه فقط برای تلویزیون بلکه برای تئاتر صحنه‌ای هم کمک‌حال باشد.